

## نقش یادگیری مشارکتی در ارتقای سطح یادگیری دانش آموزان

حمید ولی الهی<sup>۱</sup>، محمد رضا کرامتی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

---

### چکیده

هدف تحقیق حاضر که از نوع پژوهش های کیفی و با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیل استنادی است، بانگرشی تحلیلی به تاثیر یادگیری مشارکتی پرداخته و روش گردآوری داده ها و اطلاعات به صورت کتابخانه ای و با توجه به منابع و مآخذ مکتوب صورت گرفته است یکی از حوزه هایی که با ورود روش های نوین تدریس، دچار تحول اساسی شده، حوزه آموزش است. مقاله تلاش دارد با بیان نقش یادگیری مشارکتی در حوزه تعلیم و تربیت، به بررسی تاثیر این پدیده بر روی یادگیری بپردازد. یادگیری مشارکتی، بیش از آنکه بخواهد دانش معینی را به دانش آموزان القاء کند، زمینه ای را فراهم می کند که از طریق آن امکان شکوفایی قابلیت های گروهی دانش آموزان و گسترش تجربه های همیاری و جمعی آنها افزایش می یابد.

**واژه های کلیدی:** یادگیری مشارکتی، آموزش و پرورش، معلم، دانش آموزان.

---

**مقدمه**

یکی از مباحث کلیدی و مهم در آموزش و پرورش، بحث یادگیری می‌باشد؛ این که یادگیری چیست؟ چگونه اتفاق می‌افتد؟ نقش عوامل محیطی و پیرامونی در این زمینه چیست؟ شرایط یادگیرنده چگونه باشد تا یادگیری با پایداری بیشتری صورت گیرد و بالاخره این که کدامیک از روش‌های یادگیری نسبت به دیگر روش‌های یادگیری موثرترند؛ اینها مواردی است که پژوهشگران و صاحب‌نظران مطالب بسیار متنوع و در برخی موارد مشابهی را مطرح نموده‌اند.

در روش‌های سنتی که امروزه از آنها به عنوان روش‌های غیرفعال یاد می‌شود. معلم نقش فعالی در جریان تدریس داشته، مطالب را بطور شفاهی در کلاس بیان نموده و دانش‌آموزان فقط باید به صحبت‌های او گوش داده، مطالب مورد نظر را حفظ نمایند.

در چنین شرایطی زمینه‌های لازم برای رشد اجتماعی شخصیت شاگردان فراهم نمی‌شود و حتی پیشرفت تحصیلی و رشد فکری شاگردان نیز از تأثیرات نامطلوب این شرایط بی‌نصیب نمی‌ماند. به همین دلیل امروزه موضوع روش‌های آموزشی فعال و یادگیرندگان فعال جایگاه ویژه‌ای در مباحث تربیتی پیدا کرده است. البته عوامل متعددی مانع رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود که روش‌های آموزشی غیرفعال یکی از این عوامل است (کرامتی، ۱۳۸۱).

به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می‌پردازند نه تنها بهتر یاد می‌گیرند بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می‌برند زیرا آنها به جای اینکه شنونده صرف باشند فعالانه در جریان یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند (کرامتی، ۱۳۹۴).

یادگیری مشارکتی روش تدریسی است که طی سه دهه اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این نوع یادگیری وسیله‌ای برای تقویت مهارت‌های تفکر خلاق و ارتقای سطح یادگیری است و جانشینی است برای گروه بندی دانش‌آموزان بر اساس توانایی‌هایشان و وسیله‌ای است برای بهبود روابط دانش‌آموزان نژادهای گوناگون و آماده کردنشان برای ایفای نقش در فعالیت گروهی (اسلاوین، ۲۰۰۹).

اهداف مهم هر تجربه‌های آموزشی عبارتند از افزایش مشارکت دانش‌آموز، یادگیری، و رضایت. یادگیری مشارکتی بر اهمیت مشارکت در گروه‌ها، که می‌تواند برای یادگیری، کسب دانش و اطلاعات مفید متمرکز شود توجه دارد (ترنسیاندر، ۲۰۱۲).

در یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان مفاهیم را در بالاترین سطح یادگیری می‌آموزند و آموخته‌هایشان را به سایر همتایانشان انتقال می‌دهند (هرمان، ۲۰۱۳). همکاری زمانی در گروه‌ها معنا می‌یابد که افراد گروه، هم یادگیری شخصی‌شان را ارتقا دهند و هم نتایج یادگیری همتایانشان را در نظر داشته باشند. از نظر مفهومی یادگیری مشارکتی ریشه در نظریه وابستگی متقابل اجتماعی دارد. بر اساس این نظریه، همکاری زمانی بیش‌ترین تأثیر را دارد که دانش‌آموزان درک کنند که اهداف مشترکی دارند و رسیدن به اهداف فردی نیز وابسته به اقدامات گروه است. در چنین شرایطی دانش‌آموزان با استفاده از نتیجه‌گیری‌های یکدیگر و در نظر گرفتن استدلال‌ها و دیدگاه‌های دیگران و با به چالش کشیدن آن‌ها به کشف دیدگاه‌های بهتری نائل می‌شوند (بساک و ییلدیز، ۲۰۱۳).

**پیشینه یادگیری مشارکتی**

نظر همپاری، در یادگیری محتوای درسی نظری بسیار قدیمی است. می‌توان آن را در آثار ارسطو و افلاطون، فیلسوفان آموزشی همچون مارکوس لوریوس و در آثار صاحب‌نظران مسیحی در آموزش و پرورش قرون وسطی مانند: توماس اکویناس و سپس در آثار صاحب‌نظران دوره رنسانس مانند جان آموس کمینوس یافت. هورایس من و هنری بارنارد در بحث‌های خود به شدت از مؤلفه فعال اجتماعی در آموزش و پرورش جانب‌داری کرده‌اند. جان دیویی نیز از سرشناس‌ترین صاحب

نظراتی است که مفهوم همیاری را در خلال نیمه اول قرن بیستم به خوبی معرفی کرده است (جوینس و همکاران، ۲۰۰۶). کاربرد و ریشه استفاده از روش یادگیری مشارکتی در کلاس به دهه ۱۹۷۰ برمی گردد، یعنی زمانی که آمریکا و اسرائیل بر مبنای پروژه ای مطالعاتی، مدل های یادگیری مشارکتی را در بافت کلاس درس مورد بررسی قرار می دادند از این رو در سی سال گذشته علاقه مندی به تحقیق درباره الگوهای یادگیری مبتنی بر همکاری دوباره زنده شده است. امروزه روش های متبحرانه تحقیقاتی به آزمون فرض ها و تخمین دقیق تر اثرات این الگوها بر رفتار آموزشی، فردی و اجتماعی امکان بهتری داده است.

### تعریف یادگیری مشارکتی

تعریف های زیادی از یادگیری مشارکتی ارائه شده است. مثلاً این که روشی از آموزش و یادگیری است که در آن دانش آموزان در گروه های کوچک کار می کنند تا به اهداف آموزشی دست یابند؛ و اهدافی که عمدتاً با فعالیت های یادگیری مشخص می شود دانش آموزان را به استدلال و مسئولیت پذیری فردی تشویق می کند. (جانسون و هالوبی، ۲۰۰۳).

از نظر اسلاوین (۱۹۹۵) یادگیری مشارکتی عبارت است از روشی که در آن دانش آموزان با قرار گرفتن در گروه های کوچک محتوای درسی را با کمک یکدیگر یاد می گیرند و از طریق مباحثه و گفتگو با یکدیگر، دانش جاری خود را مورد ارزیابی قرار می دهند.

جانسون و جانسون و اسمیت (۱۹۹۸) یادگیری مشارکتی را به عنوان استفاده آموزشی از گروه های کوچک دانش آموزان، که برای یادگیری خود و یادگیرندگان دیگر با هم کار می کنند، تعریف کرده اند.

کوپر، رابینسون و مککینی (۱۹۹۵) یادگیری مشارکتی را به عنوان یک راهبرد آموزشی با ساختار و منظم می دانند که در آن گروه های کوچک دانش آموزان برای رسیدن به یک هدف مشترک با هم کار می کنند.

جانسون و جانسون (۲۰۰۱) یادگیری مشارکتی را کار کردن با هم دیگر برای رسیدن به اهداف مشترک تعریف کرده اند.

### ویژگی های یادگیری مشارکتی

#### ۱. تشکیل گروه های کوچک نامتجانس

یادگیری مشارکتی معمولاً از گروه های چهار تا شش نفری تشکیل می شود که از جهات مختلف توانایی یادگیری، میزان پیشرفت، نژاد و غیره نامتجانس هستند.

#### ۲. داشتن هدف های روشن

یادگیری مشارکتی باید دارای هدف های روشن و قابل دسترسی باشد و همه اعضای گروه بدانند که باید برای رسیدن به آنها بکوشند. از جمله هدف های یادگیری مشارکتی می تواند این باشد که از گروه خواست تا سه دلیل علمی برای ذخیره کردن جنگلهای بارانی استوایی پیدا کنند، یک معادله دشوار ریاضی را حل کنند، یا یک آگهی تجاری تلویزیونی تهیه و ضبط نمایند (ارمرود، ۱۹۹۵).

#### ۳. وابسته بودن اعضای گروه به یکدیگر

جانسون و جانسون (۱۹۸۷) و اسلاوین (۱۹۹۰) می گویند که وقتی موفقیت دانش آموزان به کمک و مشارکت سایر اعضای گروه وابسته است، بیشتر به صورت مشارکتی فعالیت می کنند. برای این منظور، می توان مواد آموزشی را میان اعضای گروه تقسیم کرد و از هر یک از آنان خواست تا مطالب سهم خود را بیاموزند و آن را به دیگران آموزش دهند.

#### ۴. معلم به عنوان هدایت کننده و منبع اطلاعات

نقش معلم در روش یادگیری مشارکتی باید عمدتاً به صورت هدایت کننده باشد. همچنین زمانی که گروه نیاز به اطلاعاتی دارد که نمی تواند آن را بدست آورد معلم می تواند آن اطلاعات را در اختیار گروه قرار دهد.

#### ۵. تغییر مدت کار

مدت فعالیت گروهی باید متنوع باشد. بعضی گروه ها برای انجام کارهای مختصر و مشخص تشکیل می شوند و کارشان را در زمان محدودی به ثمر می رسانند. بعضی گروه ها برای انجام کارهای مهمتری تشکیل می شوند و لذا مدت بیشتری به فعالیت می پردازند. اما بعضی گروه ها که به گروه های پایه معروف اند برای تمام سال یا ترم تحصیلی به فعالیت می پردازند. این گروه ها منابع یادگیری را با هم شریک می شوند، وظایف را میان خود تقسیم می کنند، یادداشت های کلاسی را در اختیار هم می گذارند و در همه چیز از همدیگر حمایت می کنند و به همدیگر یاری می دهند (سیف، ۱۳۸۲).

### چهار عنصر اصلی در یادگیری مشارکتی از نظر جانسون و جانسون

جانسون و جانسون (۱۹۹۴) به چهار عنصر اصلی در یادگیری مشارکتی اشاره می کنند:

۱. وابستگی جمعی مثبت که بطور واضح ادراک شده باشد.

۲. تعامل (چهره به چهره) ترقی دهنده، نسبتاً زیاد.

۳. جوابگویی فردی و مسئولیت پذیری شخصی برای بدست آوردن اهداف گروهی، بطور واضح.

۴. استفاده مکرر از مهارتهای بین فردی و گروهی (جانسون و جانسون ۱۹۹۴).

### عناصر اصلی در یادگیری مشارکتی از نظر کاگان

کاگان (۱۹۹۴) برای یادگیری مشارکتی عناصر اصلی زیر را پیشنهاد کرد:

۱. وابستگی مثبت: هنگامی پدید می آید که دستاوردهای افراد یا گروه ها بطور مثبت بهم وابسته باشد.

۲. جوابگویی فردی: هنگامی پدید می آید که همه دانش آموزان در یک گروه، برای انجام قسمتی از یک کار و تسلط بر موضوعاتی که باید یاد گرفته شوند پاسخگو باشند.

۳. مشارکت یکسان: هنگامی رخ می دهد که هر عضوی از گروه از عهده مسئولیت واگذار شده بر آمده باشد.

۴. تعامل همزمان: هنگامی رخ می دهد که وقت کلاس طوری برنامه ریزی شده باشد که به بسیاری از دانش آموزان فرصت تعامل در طول دوره کلاس را بدهد (کاگان، ۱۹۹۴).

### مزایای یادگیری مشارکتی

اگر به طور منظم کار کردن با دیگران را به دانش آموزان آموزش دهیم، آن دسته از مهارت های اجتماعی را که به آن ها امکان می دهد با گروه وسیعی از افراد کلاس یا خارج از کلاس به راحتی کار یا بازی کنند کسب می کنند؛ نتایج یک بررسی که «مرکز منابع دولتی» در سال منتشر ۱۹۸۲ کرده است نشان می دهد مهم ترین دلیل این که افراد شغلهشان را از دست می دهند این نیست که مهارت های لازم در آن شغل را ندارند بلکه این است که نمی توانند با همکارانشان به خوبی کنار بیایند (الیس و والن، ۱۳۷۶). از جمله مزایای تحصیلی یادگیری مشارکتی افزایش مدت زمانی است که دانش آموزان حواسشان متوجه درس یا کار گروهی است. معلمان این را که در کار گروهی دیگر مجبور نیستند دائم تک تک افراد کلاس را متوجه انجام تکالیف و وظایف خود کنند خیلی دوست دارند. در واقع، یادگیری از طریق مشارکت باعث افزایش بحث و گفت و گو می شود. وقتی دانش آموزان به طور مرتب با نظرات و عقاید مخالف خودشان مواجه می شوند، یاد می گیرند عقاید خود را واری و در

صورت لزوم آن را اصلاح کنند (جانسون و هالوبی، ۲۰۰۳). تلاش‌های مشارکتی باعث کوشش اعضا برای فواید دو جانبه می‌گردد؛ آنان از موفقیت یکدیگر بهره‌مند می‌شوند، به نحوی که به این باور می‌رسند که یا باهم شنا می‌کنیم و یا با هم غرق می‌شویم. آنان به تاثیر عملکرد تک تک دوستان خود معتقد هستند و گروه وقتی که یکی از اعضا موفق و پیشرفت کرده تشخیص داده می‌شود احساس غرور و شادی می‌کنند (کیگان، ۱۹۹۴). همچنین در یادگیری مشارکتی علاوه بر تعامل در کار گروهی و بالا بردن پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان مهارت‌هایی مانند: مشورت کردن، فرماندهی و سازماندهی را هم می‌آموزند و تمرین می‌کنند، در این روش معلم نقش راهنما دارد و مشکلات درسی دانش‌آموزان را رفع می‌کند. در این روش دانش‌آموزان نیز به همدیگر در یادگیری کمک می‌کنند (جانسون و جانسون، ۱۹۹۴).

استفاده منظم و مداوم از روش‌های تدریس مشارکتی همکاری در کلاس درس را بهبود می‌بخشد، در نتیجه کاهش درگیری بین همسالان می‌شود. یادگیری مهارت‌های جدید توسط یادگیری مشارکتی اجازه می‌دهد تا دانش‌آموزان به پی‌ریزی شالوده لازم برای آینده برسند (لو، ۲۰۱۴). در یک کلاس درس سنتی، درجه بندی و پاداش رسمی سیستم‌های رقابتی معمولاً، با توجه به دیدگاه‌های انگیزشی، ایجاد و حفظ وابستگی متقابل هدف منفی در میان دانش‌آموزان است. موفقیت یک دانش‌آموز کاهش فرصت برای دانش‌آموزان دیگر برای موفقیت است در نتیجه با شرایط پیش‌رو در که دانش‌آموزان را برای شکست همسالان خود و امید به حمایت یکدیگر را دلسرد می‌کند. اما در روش یادگیری مشارکتی با ترکیب پاداش مبتنی بر گروه معیار است. با توزیع نمرات بر اساس عملکرد گروه و نه به صورت فردی، دانش‌آموزان تشویق خواهند شد بصورت گروهی با هم کار کنند تا به هدف برسند در نتیجه گروه تشویق خواهد شد (فرارو، ۲۰۱۵). مهم‌ترین عنصر یادگیری مشارکتی، همکاری است. همکاری زمانی رخ می‌دهد که همه اعضای آگاه هستند که سود حاصل از تلاش‌های خود، به همکاری اعضای گروه با یکدیگر بستگی دارد. وابستگی متقابل مثبت حس مسئولیت برای رسیدن به موفقیت جمعی ایجاد می‌کند. اعضای گروه یاد می‌گیرند برای رسیدن به موفقیت باید همکاری کنند (ور هوک، ۲۰۱۵).

### محدودیت‌های یادگیری مشارکتی

بزرگترین محدودیت این روش مشکل رهبری و هدایت آن است این روش اگر خوب هدایت و سازماندهی نشود هیچ یک از اهداف مورد نظر تحقق نمی‌یابد پس ضروری است قبل از اجرای این روش معلمان در زمینه مراحل مختلف آن اطلاعات لازم را کسب نمایند و بعد درصدد اجرای این روش برآیند. چرا که بدون آگاهی از این روش اجرای آن مطمئناً با شکست مواجه خواهد شد علاوه بر این که خود معلم دچار یاس و ناامیدی می‌شود ضربه‌ی بسیار سختی بر پیکر دانش‌آموزان وارد نموده است. شاید یکی از دلایلی که اینگونه روش‌ها در نظام آموزشی جایگاه خود را پیدا نکرده است عدم آشنایی معلمان با اجرای آن و ترس از شکست باشد. مشکل دیگری که جفتر و همکاران، ۱۹۷۸ برای کارگیری روش مشارکتی عنوان می‌کنند این است که، کنترل کلاس بصورت سنتی، برای معلمان به مراتب آسانتر از کنترل کلاس به صورت مشارکتی است و ممکن است بعضی از معلمان انگیزه‌ای برای بکارگیری یادگیری مشارکتی نداشته باشند. البته بدیهی است که همه‌ی موارد فوق لاینحل نیستند و معلمان آگاه و علاقمند و مطلع از روش‌های یادگیری مشارکتی به راحتی می‌توانند بر این مشکلات فائق آیند.

### دیدگاه‌های اصلی در مورد یادگیری مشارکتی

#### دیدگاه‌های انگیزشی

دیدگاه‌های انگیزشی درباره یادگیری مشارکتی، در وهله اول، بر روی ساختارهای پاداش و هدفی که دانش‌آموزان تحت آن شرایط دست به عمل می‌زنند می‌باشد (اسلاوین ۱۹۷۷، ۱۹۸۳، ۱۹۹۵). از دید یک انگیزش‌گر (بطور مثال جانسون و جانسون، ۱۹۹۲ و اسلاوین، ۱۹۸۳، ۱۹۹۵). ساختارهای مشوق مشارکتی، موقعیتی ایجاد می‌کند که در آن، تنها راهی که اعضای گروه می‌توانند به اهداف شخصی خود دست پیدا کنند، موفقیت گروه است. بنابراین اعضای گروه برای رسیدن به

اهداف شخصی خود، باید به همگروهی های خود و همین طور به گروه برای موفقیت کمک کنند و حتی از این مهم تر، همگروهی های خود را برای فعالیت بیشتر نیز، ترغیب کنند. عبارت دیگر، پاداش های گروهی بر اساس عملکرد گروهی ( یا مجموع عملکردهای فردی) یک ساختار پاداش بین فردی ایجاد می کند که اعضای گروه به همگروهی های خود در پاسخ به تلاش های مربوط به تکلیف، تقویت کننده های اجتماعی ( مانند پاداش، تشویق) ارائه می دهند یا نمی دهند ( اسلاوین ۱۹۸۳).

### دیدگاه وابستگی اجتماعی

دیدگاه دیگری که تا اندازه ای با دیدگاه انگیزشی رابطه دارد. دیدگاه وابستگی اجتماعی است. این دیدگاه معتقد است که تاثیرات یادگیری مشارکتی روی پیشرفت، بطور خیلی قوی، به واسطه ایجاد وابستگی گروهی است. اصل اساسی اینست که دانش آموزان به این علت که در مورد یکدیگر مراقب هستند دوست دارند که دیگری نیز موفق شود، برای یادگیری به هم کمک خواهند کرد. این دیدگاه شبیه به دیدگاه انگیزشی است، زیرا در مورد تاثیرات آموزشی یادگیری مشارکتی بیشتر به تعابیر انگیزشی تاکید می کند تا تعابیر شناختی.

بطور مثال کوهن (۱۹۸۶) بیان می کند اگر تکالیف چالش انگیز و مورد علاقه باشد و اگر دانش آموزان آمادگی کافی برای انجام مهارتها در کار گروهی را داشته باشند فرآیند کار گروهی خود بخود برای دانش آموزان پاداش دهنده خواهد بود، نه به خاطر نمره یا ارزیابی سایر دانش آموزان از میزان مشارکت فردی آنها در تولیدات گروهی. کوهن، آرانسون و شارانز از اشکال یادگیری مشارکتی که اسلاوین (۱۹۸۳) آن را " ویژه سازی تکلیف " می نامند و در آن دانش آموزان نقش های فردی را در داخل گروه به عهده می گیرند، استفاده می کنند.

### دیدگاه های رشدی

یکی از مجموعه نظریه های شناختی که در مورد آن، تحقیقات زیادی انجام پذیرفته، دیدگاه رشدی است ( بطور مثال دامون ، ۱۹۸۴، مورای، ۱۹۸۲). فرض اساسی دیدگاه رشدی در مورد یادگیری مشارکتی اینست که تعامل بین بچه ها هنگام انجام یک تکلیف، تسلط آنها روی مفاهیم اصلی را افزایش می دهد. طبق نظر ویگوتسکی (۱۹۷۸) قسمت اعظم یادگیری کودکان در محدوده ای رخ می دهد که او آن را حیطه مجاور رشد می نامد و آن را به عنوان فاصله ای میان رشد واقعی، تعیین شده بوسیله حل مسئله مستقل و سطح رشد بالقوه، تعیین شده از طریق مسئله بوسیله راهنمایی بزرگسالان یا با مساعدت همسالان توانمندتر تعریف می کند.

### سازمان دهی یادگیری مشارکتی

اگرچه مزایای بیشماری وجود دارد که از یادگیری مشارکتی نصیب دانش آموزان می شود، اما غالباً واضح است که قرار دادن دانش آموزان در گروه ها و از آنها انتظار داشتن که باهم کار کنند همیشه مشارکت و یادگیری ارتقا نمی دهد. زمانی یادگیری و مشارکت ارتقا می یابد که گروه ها به گونه ای سازمان دهی شده باشند که دانش آموزان بدانند چه انتظاری برای مشارکت کردن از آنها می رود تا پتانسیل برای یادگیری مشارکتی افزایش یابد (جانسون و جانسون، ۱۹۹۴) این امر شامل اطمینان از اینست که وظیفه ی گروه به گونه ای تدوین شده که همه ی اعضای گروه می فهمند که آنها نیازمند شرکت کردن و کمک کردن به دیگران هستند تا کار انجام شود، و نیز مستلزم اطمینان از اینست که دانش آموزان مهارت های اجتماعی و مهارت های کار در گروه کوچک را آموزش دیده باشند که برای کمک به ارتباط مؤثر با همتایانشان، مدیریت اختلافات و توزیع عادلانه ی منابع و تصمیم گیری بر طبق اصول دموکراسی مورد نیاز هستند. هنگامی که این عناصر در ساختار گروه کوچک محکم و جافتاده شد به احتمال قوی در دانش آموزان حس پذیرش و جزئی از گروه بودن بوجود می آید و این حس در واقع در آنها انگیزه ای یا محرکی می شود که احساس برانگیختگی کنند تا هم در هدف های شخصی و هم در هدف های گروهی مشارکت و پیشرفت کنند (جانسون و جانسون ۲۰۰۱).

### آماده کردن دانش آموزان برای زندگی آینده

برای آماده کردن دانش آموزان برای زندگی آنان باید در کلاس‌ها نقش فعالی در جریان آموزش داشته باشند و از انتقال اطلاعات که از طریق کتاب‌های درسی و معلمانی که تنها از روش سخنرانی استفاده می‌کنند، دوری شود. قرار دادن دانش آموزان در یک محیط غنی شده کافی نیست؛ بلکه باید به دانش‌آموزان کمک شود آن محیط را خلق کرده و در آن محیط حالت فعالی داشته باشند. به خاطر رسیدن به این هدف باید دانش‌آموزان جهت یادگیری فعال مورد تشویق قرار گیرند تا در کلاس‌های درس و برنامه‌ها شرکت فعالانه‌ای داشته باشند (تیلستون، ترجمه شریفیان و همکاران، ۱۳۸۲).

### نتیجه گیری

یادگیری مشارکتی در همه سطوح تحصیلی (از پیش دبستان تا دوره بعد از دبیرستان)، یک راهبرد آموزشی موفقیت آمیزی تلقی می‌شود. گروه‌های یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان را بر اساس پایگاه کلاسی، نژاد یا جنسیت جدا نمی‌کند. یادگیری مشارکتی یک روش همسال محور است که عملکرد تحصیلی را بالا می‌برد و ارتباطات اجتماعی مثبت را پایه‌گذاری می‌کند. در روش یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان مهارت‌های اجتماعی را از طریق مشارکت در فعالیت‌های گروهی کسب می‌نمایند، زیرا گروه جایی است که دانش‌آموزان در آن یاد می‌گیرند که چگونه به حرف دیگران گوش دهند. یادگیری مشارکتی این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد که، با هم بحث کنند از هم دیگر سؤال بپرسند و هر جا که لازم باشد با کمک کردن همدیگر را پشتیبانی کنند. دلیل این، همکاریها آن است که همبستگی، پاسخگویی فردی مشارکت برابر و تعامل همزمان در ساختار یادگیری مشارکتی گنجانده شده است. در بیشتر موارد دانش‌آموزان از هم گروهیهای خود بازخورد فوری دریافت می‌کنند. معلم نیز فرصت می‌یابد تا همزمان با دانش‌آموزان درگیر، در فعالیت به گروهها سر بزند و بیشتر با آنها تعامل داشته باشد. به نظر می‌رسد که این تعامل دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا بیشتر یاد بگیرند، بیشتر تبادل نظر کنند بیشتر درگیر فعالیتها شوند و بالاخره موجب پیشرفت تحصیلی آنان می‌شود.

یادگیری مشارکتی با تشکیل گروه‌های آموزشی و یادگیری، هم نیاز دانش‌آموزان را برای با هم بودن تأمین می‌کند و هم از این طریق به دانش‌آموزان که در فهم مطالب درسی دچار مشکل می‌شوند کمک می‌نماید. زیرا گروه‌های یادگیری در روش یادگیری مشارکتی موظفند از یادگیری مطالب توسط تمامی اعضای گروه اطمینان حاصل نمایند.

### منابع

- اسلاوین، رابرت. (۱۳۷۱). جمع بندی تحقیقات انجام شده پیرامون یادگیری مشارکتی. ترجمه ی فاطمه فقیهی قزوینی، فصلنامه ی تعلیم و تربیت، سال هشتم، شماره دو.
- تیلستون، دونا واکر، بهترین فعالیت‌های آموزشی بر پایه پژوهش‌های مربوط به مغز، سبک‌های یادگیری و معیارهای آموزشی موثر (ترجمه شریفیان و همکاران، ۱۳۸۲). چاپ اول، تهران: زرباف اصل
- کرامتی، محمد رضا، (۱۳۸۵)، مطالعه تاثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی پایه ی پنجم شهر
- کرامتی، محمد رضا، همتی، زهرا (۱۳۹۴)، یادگیری مشارکتی، چاپ اول، تهران: فروق فلق

- Basak, T and D. Yildiz (2013). "Comparison of the Effects of Cooperative Learning and Traditional Learning Methods on the Improvement of Drug-Dose Calculation Skills of Nursing Students Undergoing Internships", Available at: <http://hej.sagepub.com/content/early/2013/03/25/0017896912471136> DOI: 10.1177/0017896912471136 published online 25 March 2013 Tulay Basak and Dilek Yildiz, Health Education Journal .

6. Ferraro, Michele,(2015), INVESTIGATION OF COOPERATIVE LEARNING AND COLLABORATIVE TESTING IN GRADES 4-8
7. Herrmann, K. J. (2013). "The Impact of Cooperative Learning on Student Engagement: Results from an Intervention", *Active Learning in Higher Education* 2013 14: 175 originally Published online 12 September 2013, Available at: <http://alh.sagepub.com/content/14/3/175>
8. Johnson , D., Johnson , R. (2001). Cooperative learning (online) .Available at: <http://www.clcrc.com/pages/cl.html>.
9. Johnson , D.W., Johnson , R.T. (1994). An overview of cooperative learning . Available at: [www.cooperation.Org / pages/ overviewpaper. html](http://www.cooperation.Org/pages/overviewpaper.html)
10. Kagan , S.(1994).Cooperative Learning . san clemente , CA : Kagan publishing. Available at: [http:// www. kagan online .com](http://www.kaganonline.com) .
11. Lv, Y. (2014). Cooperative Learning: An Effective Approach to College English Learning. *Theory and Practice in Language Studies*, 4(9), 1948-1953.
12. Rot Vrhovec, Alenka(2015) Forms of cooperative learning in language teaching in Slovenian language classes at the primary school level *CEPS Journal* 5 3, S. 129-155
13. Slavin, R. E. (2009). *Cooperative Learning Student Team* (2), Washington, d.c: National Education Association.
14. Tran, V. D. (2012). Effects of cooperative learning on students at An Giang University in Vietnam. *International Education Studies*, 5(1), 86-99. <http://dx.doi.org/10.5539/ies.v5n1p86>